

## نقش نظام باورها و ارزش ها در تحقق پیشرفت مطالعه موردی: مقایسه بین آراء مطهری و ماکس وبر

فاطمه سهیلی احمدی<sup>۱</sup>

سید مرتضی هزاوی<sup>۲</sup>

### چکیده

شناخت و فهم جایگاه نظام باورها در جامعه و در نهایت حرکت به سوی رشد و تعالی و پیشرفت، یکی از حوزه های مهم در تحقق پیشرفت است. این شناخت عمدتاً از آنجایی اهمیت می یابد که گفتمان غربی هموار بر تقابل اسلام و مفهوم پیشرفت و تضاد ارزش های اسلامی با رشد و توسعه جامعه، تایید می کند. بدین ترتیب پرسش اصلی این مقاله این است که آیا باورها و ارزش های اسلامی می توانند تاثیری در تحقق پیشرفت داشته باشند یا خود مانعی در این راستا محسوب می گردد؟ و آیا جهت گیری اسلامی می تواند در نظام باور ها و ارزش های موجود در جامعه تاثیری همسو با پیشرفت و رشد داشته باشد یا اهتمام بدان نشان نمی دهد؟ یافته های این نوشتار نشان می دهد که بر خلاف تصویری که مدعی است، اسلام خود مانعی بر سر راه پیشرفت جوامع است و آنها را از مدرنیزاسیون دور می کند، مبانی اسلامی، مکانیسم های لازم برای تحقق این امر را فراهم کرده است. بدین ترتیب این مقاله بر آن است که تا ضمن تاکید ب تاثیر مؤثر آموز های دینی بر نظام باور ها و ارزش های انسان ها، نشان دهد که باورها و ارزش ها تا چه اندازه می توانند در رسیدن به مفهوم پیشرفت نقش داشته باشند.

واژگان کلیدی: باورها، ارزش ها، پیشرفت، مدرنیزاسیون و اسلام

### مقدمه

باورها و ارزش ها به عنوان یک پدیده مدرن مربوط به عصر جدید، می تواند چه نسبتی با گزاره ها و تعالیم اسلامی داشته باشد؟ آیا عملاً می توان برای نظام باورها و ارزشها، مبنای اسلامی طراحی و تدوین کرد؟ در پاسخ به این پرسش اساسی، با توجه به ماهیت تاریخی اصول و مدرن بودن مفهوم نظام باورها و ارزش ها و پیشرفت، به نظر می رسد تلاش برای اثبات هر نوع نسبت و رابطه منطقی میان این دو مقوله قابل تامل می باشد. بر این مبنی از آنجا که اصولاً پیشرفت به عنوان یکی از نمونه های دموکراسی غربی در گذشته مطرح بوده، جست و جو برای تبیین مبانی آن در اصول اسلامی که آموزه ها و نگاره های آن مربوط به صدها سال قبل است با توجه به این که در آن زمان مفهوم جامعه به گستردگی امروز نبوده است، در نگاه اول دشوار به نظر می رسد. با این وجود می توان مدعی شد که محتوای غنی شریعت اسلام و توان پاسخ گویی آن برای نیازمندی های هر عصر و زمانه ای، حاکی از آن است که مبانی دینی نظام باورها و ارزش ها را می توان از متون دینی و نظریات پیشوایان استخراج کرد. در تلقی، پدیده های جدید صرفاً نمودها و مظاهر پیشرفته و متحول اموری است که تاریخ بشر در گذشته آن را تجربه نموده و یا حداقل توصیف کرده است. برخی معتقدند که تعالیم دینی از چنان قابلیت و توانمندی برخوردار است که می توان پدیده های جدید را از آن استخراج کرد.

۱. دانشجوی کارشناسی علوم سیاسی دانشگاه بوعلی سینا، Fsoheyli.alone@gmail.com

۲. دانشیار علوم سیاسی دانشگاه بوعلی سینا، Sm.hazavei@basu.ir

## ۱- چارچوب نظری

آنچه به عنوان چارچوب نظری مورد بررسی است مقایسه میان آراء ماکس وبر و مرتضی مطهری، در خصوص تاثیر باورهای مردم به ویژه دین و مذهب در پیشرفت جامعه است.

ماکس وبر معتقد است با مقایسه جوامع گوناگون با مذاهب گوناگون می توان به این نتیجه رسید که بیشتر رهبران تجاری صاحبان سرمایه و ...متعلق به فرقه پروتستان هستند و هر جا که آزادی عمل سرمایه داری بیشتر بوده تاثیرات بارزتری بر جا گذاشته است. (وبر، ۱۸۶۴-۱۹۲۰ م: ۴۳)

آنچه وبر آن را روح این سرمایه داری می دانست نگاه به تلاش بی وقفه برای کسب سود هرچه بیشتر از فعالیت اقتصادی همچون رسالت یا وظیفه و در نیفتادن به وادی بطالت و راحت طلبی بود. در آغاز برای بسیاری این به منزله رسالتی مذهبی و اطاعت از اراده خداوند بود اما به تدریج که جهان غربی، عمدتاً تحت تاثیر گسترش خود سرمایه داری مدرن هر چه بیشتر دنیوی و غیر دینی شد حالت رسالتی هم هر چه بیشتر دنیوی و کم رنگ شد. (لسناف، ۱۹۹۹: ۲۷)

فرضیه وبر این است که ویژگی های مذهب پروتستان علت ارتباط میان فعالیت های سرمایه داری پروتستانیزم بوده است، یعنی تاکید اصلی بر روی این نکته است که علت اصلی مذهب پروتستان بوده است که فردگرایی را بسیار برجسته کرد، در حالی که مسیحیت جایگاهی برای فرد قائل نیست. فردگرایی مورد توجه پروتستان یعنی فرد فعالی که تمیزی بین خود و دیگران قائل است و برخلاف کاتولیکها معتقد بودند هر فرد مسیحی می تواند شخصا با عالم قدسی ارتباط داشته باشد و به سعادت برسد بدون دخالت کلیسا. اتفاق مهمی که در پروتستان افتاد قدسی شدن کار بود، پروتستان ها معتقد بودند کار یکی از لوازم ایمان است و کسب ثروت امری مقدس به شمار می رفت.

وبر در حال که نگاه ماده گرایانه دارد بر نقش باور و بطور خاص مذهب نیز تاکید دارد و معتقد است که انباشت سرمایه به علاوه دین سیاست و حوزه تجارت عامل بوجود آمدن سرمایه داری است و نقش کلیدی را جنبش اصلاح دین دارد که کار را ضروری و انباشت ثروت را مطلوب می داند.

دو دیدگاه در مورد عدم پیشرفت و عقب ماندگی کشورهای آسیایی و شرقی وجود دارد:

مارکسیستهای سنتی که معتقد بودند عقب ماندگی کشورهای آسیایی در درون آنها و مرتبط با شیوه تولید آنهاست، نظام فئودالیسته آنطوری که در غرب شکل گرفت در این کشورها شکل نگرفت.

مارکسیستهای جدید اما معتقد بودند عامل استعمار و استثمار باعث عقب افتادگی و مانع پیشرفت این کشورها و عقب افتادگی آنها از فرآیند توسعه شده است. انباشت ثروت در نظام فئودالیسته موجب پیشرفت غرب شد اما در کشورهای شرقی چون به زائده کشورهای غربی تبدیل شدند موجب عقب ماندگی آنها شد.

اما برخلاف دو دیدگاه، از منظر باورها، فرهنگ ها و دین به عنوان علت پیشرفت و پیشرفت کشورها بحث می کند. تلقی ماکس در مورد مذهب این است که می تواند باعث ثبات اجتماعی شود و مذهب را به عنوان ریشه بحث می کند.

از نظر وبر ادیان با بیان مسائلی چون بهشت و جهنم و ... سعی در حل مشکلات انسان دارند و بر این ادیان را مایه رستگاری و رهایی از رنج و درد برای انسان می داند (همان، ۱۹۹۹: ۲۵)

## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیت و دووم و سوم و سوم خردادماه ۱۳۹۸

اشتراکی که مطهری با ماکس وبر داشت بر سر مسئله دین است که معتقد است بشر همانطور که در گذشته به دین نیاز داشت در آینده هم برای تکامل و پیشرفت خود به آن نیازمند است زیرا هر چیزی بقاء و عدم بقاء آن تابع نیاز است و قرآن هم این اصل را تایید کرده است. اما آیا اینکه دین در آینده باقی خواهد ماند یا نه مربوط میشود به نقشی که دین در تکامل انسان یعنی در تکامل ماهیت انسان، در تکامل معنویت انسان و در تکامل انسانیت دارد، تنها دین است که می تواند روابط انسان ها با یکدیگر را تامین کند، هیچ چیزی قادر نیست و نخواهد بود جای دین را بگیرد. (مطهری، ۱۳۹۹، ۱۳۵۸: ۲۴-۲۵)

دومین اشتراک شهید مطهری و ماکس وبر در علت عقب ماندگی مسلمانان است که شهید مطهری هم مانند وبر شیوه زندگی مسلمانان به بحران برایش تبدیل شده بود که شایسته آن ها نمی دانست و علت عقب ماندگی را استبداد و استعمار می دانست و البته معتقد بود تبدیلی خود انسان در تاریخ هم می تواند تاثیر گذار باشد.

عقل عقب ماندگی مسلمانان	عامل پیشرفت	
استبداد و استعمار	دین و مذهب	شهید مطهری
استعمار و استثمار	دین و مذهب	ماکس وبر

اشتراکات دو نظریه ۱-۱

از دیدگاه شهید مطهری، جوامع بشری نیز همانند افراد انسانی در صورتی در فرآیند تکامل قرار می گیرند و به سمت پیشرفت حرکت می کنند که هر چه بیشتر از طبیعت و نهادهای اقتصادی و اجتماعی استقلال یابند و به عقیده ایمان و ایدئولوژی وابستگی پیدا کنند. (مطهری، ۱۳۹۰ ج: ۳۶، ۳۷، ۴۴) الگوی تکامل بشر از دیدگاه شهید مطهری می تواند در ساختار کلی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت قرار بگیرد. اتکاء این متفکر بر منابع دینی در شناخت نوع انسان و جامعه و نیز اقتضائات کمالی او، از جمله عوامل تاثیر گذار در شکل گیری این پیوند است. علاوه بر این، تفسیر توحیدی شهید مطهری از فطریات انسانی موجب می شود که الگوی تکامل فطرت محور در واقع همان الگوی تکامل اسلامی می باشد و از آن جا که در این الگو، اقتضائات فرهنگی نیز در محدوده الزامات فطری پذیرفته می شود ویژگی های بومی نیز جایگاه و امکانات خود را تا حد امکان پیدا میکنند و در کنار ارکان فطری، ساختار مناسب الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت را شکل می دهند. (حسین زاده، ۱۳۹۴)

شهید مطهری معتقد است که جامعه اسلامی شاخص دارد و یکی از شاخص های دینی این است که نسبت به جوامع دیگر از نظر صنعتی تکنولوژی و علمی برتر باشد. (جمالیان داریانی، ۱۳۸۰)

اگر توسعه انسانی برای رسیدن انسان به کمال انسانیش باشد و کمال انسانی را به تعبیر شهید مطهری، در تعادل و توازن انسان بدانیم، هدف و جهت توسعه باید عبارت از ارتقای مستمر یک جامعه یا نظام اجتماعی به سوی یک زندگی بهتر و انسانی تر باشد (اصغری، ۱۳۸۵)

وبر معتقد است اسلام یک دین جهان پذیر است اما این دین در مسیری افتاد که ظرفیت های جهان پذیری آن فعال نشود. و از آن خوانش دیگری مطرح شود او معتقد است عاملی که باعث تعبیر دیگری از دین می شود گروه اجتماعی وارث مذهب اند که نقش خیلی مهمی دارند زیرا آنان هستند که دین را تفسیر می کنند و به دیگران معرفی می کنند.

# هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران ما، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیت و دوم و سوم و سوم خردادماه ۱۳۹۸

همان طور که گفتیم وبر سرمایه داری را علت پیشرفت جوامع می داند و نوع حکومت مطلوب آن را بوروکراسی می داند زیرا معتقد است بوروکراسی عقلانی ترین شکل اداره امور است و اینجاست که اختلاف دو نظریه مشخص می شود.

نتیجه	نوع حکومت مطلوب	مذهب	ابزار	
پیشرفت (توسعه)	بوروکراسی	پروتستان	مذهب	ماکس وبر
پیشرفت (مادی و معنوی)	حکومت اسلامی	اسلام	مذهب	شهید مطهری

اختلافات دو نظریه ۱-۲

## ۲- مفهوم شناسی

### ۱-۲ نظام باورها

واژه **Belief** در فارسی به باور-عقیده - ایمان و اعتقاد ترجمه شده است. در یک تعریف ساده باور یا عقیده، اندیشه‌هایی است که فرد به درستی و حقایق آنها اعتقاد دارد. باورها در زمینه ارزش‌ها که اصول گسترده‌ای در جامعه هستند قرار می‌گیرند. باورها مفاهیمی خاص‌تر و مشخص‌تری هستند که ظاهراً واقعی بنظر نمی‌رسند. (قنادان، ۱۳۱۶: ۷۸) در قرآن کریم تعریف باور اینگونه ارائه شده است که انسان باید ایمان قلبی به چیزی، کسی یا رخدادی پیدا نماید و با توجه به برهان و دلایل موجود کاملاً به آن اعتقاد پیدا نموده تا به یقین مبدل گردد. باورها پس از پذیرفته شدن در کنار هم نظام باورها را شکل می‌دهند (رحیمی نژاد، ۱۳۹۶).

### ۲-۲ ارزش

ارزش در فرهنگ معین به بها- ارز و قدر و شایستگی معنی شده است اما در اصطلاح جامعه‌شناسی عقایدی است که افراد یا گروه‌های انسانی درباره آنچه مطلوب- مناسب یا خوب و بد است، دارند.

ارزش‌های یک جامعه معمولاً از هنجارهای آن دفاع می‌کند و اجازه بروز و ظهور هنجارهای غیرمطلوب را نمی‌دهند. وجود ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی از عوامل مهم پایداری جامعه هستند (قنادان، ۱۳۱۶: ۵۵).

در جامعه نظم اجتماعی بستگی به وجود ارزش‌های عام و مشترکی دارد که مشروع و تعهد آور به حساب می‌آیند و معیارهایی هستند که نهایت اعمال بوسیله آنها گزیده می‌شود.

به نظر دورکهایم، مبنای نظم جامعه عاملی اخلاقی است نه سیاسی و اقتصادی، رسوم و سنن اجتماعی بر عقل منفرد افراد مسلط هستند و جامعه با نظم متعادل دارای وحدتی اخلاقی است (بشیریه، ۱۳۳۲: ۴۸).

از دیدگاه تالکوت پارسونز جامعه بر اساس دو عامل ارزش‌ها و هنجارها دارای همبستگی و انسجام می‌باشد، ارزش‌ها تعیین‌کننده اهداف و راهنمای رفتار انسان‌ها و موجب حس جمعی در جامعه هستند و هنجارها عبارت از قواعد رفتار می‌باشند و در واقع وسائل نیل به ارزش‌ها به شمار می‌روند (همان: ۵۱).

### ۳-۲ مدرنیزاسیون<sup>۴</sup>

مدرنیسم یا نوگرایی، تلاش در جهت هماهنگ ساختن نهادهای سنتی با پیشرفت علوم و تمدن است که مدرنیسم نمود های بیرونی تمدن جدید غرب است و مدرنیته عناصر درونی فکری، فلسفی، فرهنگی آن بوده و دارای رشته ای از مفاهیم اساسی است که با یکدیگر در ارتباط هستند. در مجموع مدرنیسم در اصطلاح به شیوه هایی از زندگی یا سازمان اجتماعی مربوط می شود که از سده ۱۷ به بعد در اروپا پیدا شد و به تدریج، نفوذی کم و بیش جهانی پیدا کرد. (گلشن آبادی، ۱۳۸۸) مدرنیته متضمن این امر است که تمدن مدرن یک تمدن یکتا و بی نظیر در تاریخ بشر است. هر کس می پذیرد که اروپا و آمریکا پیشرفت کرده است و یک تکنیک جدید و قدرتمند را برای مطالعه و تکنولوژی های ماشینی جدید و ... اتخاذ کرده است. این شکلی از مدرنیته است که امروزه به عنوان پیشرفت در دنیای غیر غربی استفاده می شود در غرب ویژگی های دیگری نیز برای آن بر می شمردند از قبیل آزادی بیان، فرهنگ سکولار، فرد گرایی، عقل گرایی و ... (موسوی، ۱۳۹۳).

جلال آل احمد باور دارد که با تکیه بر فرهنگ و سنت بومی می توان برخی از جنبه های مدرنیته را از غرب اقتباس و برخی مولفه های دیگر را با تکیه بر پتانسیل داخلی تاسیس کرد (نظام بهرامی، ۱۳۹۱).

### ۴-۲ پیشرفت<sup>۵</sup>

پیشرفت یعنی بهبود در رشد و گسترش همه شرایط و جنبه های مادی و معنوی زندگی اجتماعی و هم چنین بهبود بخشیدن به کیفیت زندگی افراد جامعه (شایان مهر، ۱۳۷۷: ۲۰۴).

پیشرفت و توسعه مطلوب فرایندی است که متضمن بهبود مداوم در همه عرصه های زندگی است اعم از مادی و معنوی. در دوران معاصر به ویژه در چند دهه گذشته توسعه و پیشرفت یکی از مهم ترین دغدغه های ذهنی نخبگان جوامع مختلف بوده است (نگاهداری، ۱۳۸۹: ۱۵).

در مکتب اسلام پیشرفت هدفی جز به حداکثر رساندن سعادت انسان در تمام زمینه ها از جمله اقتصاد و اخلاق ندارد به عبارت دیگر از نظر اسلام مفهوم کلی توسعه فقط رفاه و آسایش در این جهان را جستجو نمی کند بلکه رفاه در هر دو جهان را مد نظر دارد و بین این دو هیچ فرقی وجود ندارد (گرماوردی، ۱۳۷۵: ۱۲۲).

رهبر انقلاب اسلامی در اولین نشست الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، با اشاره به انتخاب کلمه پیشرفت به جای (توسعه) تاکید کردند: کلمه توسعه یک اصطلاح متعارف جهانی، با بار معنایی و ارزشی و الزامات خاص خود است که ما با آن ها موافق نیستیم، بنابراین از کلمه پیشرفت استفاده شده ضمن این که وام نگرفتن از مفاهیم دیگران در طول انقلاب اسلامی سابقه داشته است.

مفهوم و هدف پیشرفت و توسعه مطلوب را می توان اینگونه جمع بندی نمود که برخلاف هدف توسعه در غرب که تنها جنبه مادی زندگی را در بر می گیرد. هدف پیشرفت در اسلام رسیدن به ارزش های انسان می باشد و رشد انسان هدف فعالیت های مادی انسان قرار می گیرد. (صحیفه نور، ج ۳: ۵۴-۵۳)

4 . modernism

5. progress

## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ میت و دووم و میت و سوم خردادماه ۱۳۹۸

خصلت مذهبی بودن نظام اسلامی و ایدئولوژیک بودن حاکمیت در آن، بزرگترین و موثرترین عامل زمینه ساز توسعه به مفهوم عام آن است و قدرت ناشی از این عنصر معنوی در دولت، نه تنها بازدارنده نیست بلکه خود عامل حرکت و نوسازی و توسعه همه جانبه است (عمید زنجانی، ۱۳۷۵: ۳۷۵).

یکی از عواملی که نقش اساسی در ایجاد روحیه حرکت به سمت پیشرفت دارد فرهنگ جامعه است. فرهنگ مجموعه ای است از آداب و رسوم، عقاید و افکار، پندارها و باورها، ارزش ها و هنجارها و اعتقادات، که در طی زمان در جامعه شکل گرفته و از نسلی به نسل دیگر منتقل شده و عموم اعضای جامعه آن ها را به صورت عادت به عرصه ظهور می رسانند. این فرهنگ است که به یکایک افراد جامعه می آموزد که کدامیک از هدف های مادی و سطح های رفتاری ارزشمندند و کدامیک عبث و بیهوده و باید کنار گذاشته شوند (ازغندی، ۱۳۲۰: ۸۵).

معمولاً بارزترین شاخص فرهنگی در یک جامعه پویا را می توان از اندیشه ها و آرمان های برخوردارانه از ایمان و تفکر سیاسی آن جامعه بدست آورد زیرا این محورهای اصلی اندیشه ها و آرمان ها ی یک جامعه است که هویت آن جامعه و اهداف آن را مشخص می کند و یکی را اصل و دیگر شاخص ها را فرعی می سازد (عمید زنجانی، ۱۳۱۶: ۳۶۴).

اهمیت فرهنگ در شکل گیری توسعه مطلوب در هر جامعه ای انکارناپذیر است و اجزای فرهنگی برای دستیابی به پیشرفت و توسعه لازم و ضروری هستند. از نظر بعضی اندیشمندان روند سریع توسعه در کشور ژاپن تلقین مناسبی بین فرهنگ بومی مردم ژاپن با پیشرفت بوده است یعنی اگر فرهنگ یک ملت یا همان عقاید و ارزش های مدم با هدفی هماهنگ باشد آن هدف قابل دسترسی است و ژاپن نمونه بارز آن است. مردم ژاپن ضمن حفظ ارزش های فرهنگی بومی کشور ژاپن از نکات مثبت توسعه نیز بی بهره نمانده اند و به عبارتی پیشرفت و توسعه را با فرهنگ و اجزای آن به نحو مطلوبی آمیخته اند. در تجربه تاریخی کشور خود نیز بالعکس شاهد بی توجهی به اجزای فرهنگی ایرانی و اسلامی بوده ایم که نمونه بارز آن در زمان رضاخان اتفاق افتاد. او بدون توجه به فرهنگ اسلامی و ایرانی سعی در تحمیل توسعه آن هم به شکل تقلیدی از غرب داشت که برانگیختن حساسیت های متعدد اجتماعی را به همراه داشت، به همین علت توجه به فرهنگ عامه اهمیت بسیار دارد (نگاهداری، ۱۳۸۹: ۲۲).

از نظر امام خمینی (ره) پیشرفت و توسعه یک واژه چند وجهی است. توسعه ای که مد نظر امام خمینی بود می بایست در خدمت فرهنگ - اجتماع و ارتقائ معنوی یک جامعه قرار بگیرد. از دیدگاه ایشان پیشرفت و توسعه هر چند هم که واژه ای اقتصادی ارزیابی شود باید در خدمت معنویت قرار ببرد. به عبارت دیگر پیشرفت مد نظر ایشان باید سعادت جامعه بشری را تامین و انسان را به بالاترین کمال ممکن ارتقا دهد (صحیفه نور، جلد ۷: ۱۶).

حضرت آیت الله خامنه ای معتقدند غربی ها در تبلیغات خود اینگونه القاء کرده اند که توسعه و پیشرفت مساوی با غربی شدن است. ایشان الگوی غرب برای توسعه را یک الگوی ناموفق می شمارند زیرا با وجود دستیابی کشورهای غربی به ثروت و قدرت، ارزش های انسانی در این جوامع از بین رفته اند. ایشان با تاکید بر اینکه تنظیم الگوی پیشرفت کشور بر اساس الگوی اسلامی - ایرانی یک مسئله حیاتی است، خاطر نشان می کنند که اگر این الگو در مرحله عمل به اجرا گذاشته شود قطعاً به الگوی مورد استفاده دیگر کشورها تبدیل خواهد شد. ایشان دلیل به نتیجه نرسیدن مدل توسعه غربی در نظام اسلامی را ماهیت متفاوت مبانی دیدگاه، اسلام و غرب نسبت به پیشرفت و جایگاه انسان در این پیشرفت دانسته و تصریح می کنند که در دیدگاه غرب، پیشرفت مادی، و محور آن سود مادی است. بنابراین در چنین دیدگاهی اخلاق و معنویت قربانی می شود (نگاهداری، ۱۳۸۹: ۵۵).

## نتیجه گیری

در نگرش اسلامی معیارهای رشد و توسعه هنگامی می تواند گویای توسعه نظام رفتاری انسان و جامعه باشد که بتواند توضیح کافی برای حفظ تعادل و توازن معنوی - مادی و اخروی - دنیوی در عرصه های مختلف اجتماعی را ارائه کند و در عمل شاخص هایی را معرفی نماید که گویای جنبه های کمی و کیفی باشد. اساسی ترین شاخص های پیشرفت و توسعه مطلوب از دید اسلام در ابعاد مادی و معنوی عبارتند از: تقوا- علم محوری- قانون مداری- رفع فقر از جامعه- رفع نیاز های مادی- مردم سالاری- آزادی مشروع و ... در اسلام پیشرفت مادی هدف نیست برخلاف غرب، بلکه وسیله ای برای رشد و تعالی انسان است. دستیابی به رفاه مطلق مادی که هدف توسعه در غرب می باشد برای انسان مطلوب نبوده و هدف از آفرینش و خلقت انسان نیز آن نبوده است، بلکه آنها ابزاری جهت رسیدن به اهداف عالی که از آفرینش انسان مد نظر بوده است و دین مبین اسلام برنامه تحقق آن است جلوه گر می شوند، و آن چیزی نیست جز شکوفایی استعداد های بالقوه انسان در جهت رشد مادی و معنوی توأمان نیست.

بدین سان، برخلاف داعیه ماکس وبر که مذهب پروتستان را علت پیشرفت میداند، افراد انسانی در صورتی در فرآیند تکامل قرار می گیرند که هر چه بیشتر از طبیعت و نهادهای اقتصادی و اجتماعی استقلال یابند و به عقیده، ایمان و ایدئولوژی اسلامی وابستگی پیدا کنند.

## منابع

### الف) کتب

- ایچ لسناف، مایکل، فیلسوفان سیسی قرن بیستم، ترجمه خشایار دیهیمی، نشر ماهی، ۱۳۸۵.
- ازغندی، سید علیرضا، تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۲.
- بشیریه، حسین، جامعه شناسی سیاسی ایران، نشر نی، ۱۳۷۴.
- بشیریه، حسین، انقلاب و بسیج سیاسی، مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
- خمینی، روح ا...، صحیفه نور، مجموعه سخرانی ها و مقالات، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار خمینی (ره).
- دورکهمیم، امیل، فرهنگ جامعه شناسی، تهران، نشر علم، ۱۳۹۱.
- شایان مهر، علیرضا، دایرة المعارف تطبیقی علوم اجتماعی، جنگ و انقلاب، تهران، نشر کیهان، ۱۳۷۶.
- عمید زنجانی، عباسعلی، مبانی اندیشه سیاسی اسلام، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۵.
- قنادان، منصور، مطیع، ناهید، ستوده، هدایت ا...، جامعه شناسی مفاهیم کلیدی، تهران، انتشارات آوای نور، ۱۳۸۳.
- مطهری، مرتضی، تکامل اجتماعی انسان، قم، انتشارات صدرا، بهمن ۱۳۶۳.
- مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۶۸.
- معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، تهران، نشر نامن، ۱۳۸۵.
- نگاهداری، بابک، مؤلفه های پیشرفت اسلام، تهران، نشر تهران، ۱۳۸۹.
- وبر، ماکس، اخلاق پروتستان و روح سرمایه داری، ترجمه عبدالمعبود انصاری، انتشارات سمت، ۱۳۸۷.

## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران ما، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیت و دومی و سوم و سوم خردادماه ۱۳۹۸

### ب) مقالات

- آیت ا... خامنه ای، سخرانی در جمع اولین اولین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ۱۳۸۹.
- اصغری، محمود، مبانی دین و توسعه در اندیشه شهید مطهری، ۱۳۸۵.
- بهرامی کمیل، نظام، چالش سنت و نوسازی در دیدگاه جلال آل احمد، ۱۳۹۱.
- جمالیان داریانی، مهرداد، انسان و مدرنیته در نگرش شهید مطهری، ۱۳۸۰.
- حسین زاده، مهدی، تکامل و پیشرفت انسان و جامعه از دیدگاه شهید مطهری، ۱۳۹۴.
- رحیمی نژاد، بهنام، تعریف باور و نظام باورها، ۱۳۹۰.
- قربانی گلشن آبادی، محمد، مدرنیته، مدرنیسم و مدنیزاسیون، ۱۳۸۸.
- کاتوزیان، محمد علی همایون، ایران جامعه کوتاه مدت، ترجمه عبدا... کوثری، نشر نی، ۱۳۹۱.
- موسوی، سعیده سادات، مدرنیسم و مدرنیته، ۱۳۹۳.